

درآمدی بر شناخت اسناد خانگی جنگ / دفاع مقدس^۱

علیرضا کمری

اشاره: متن ذیل گفتارنوشت سخنرانی آقای علیرضا کمری است که در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۰ دربارهی روش تدوین کتاب عملیات فریب و شناسایی و معرفی اسناد غیررسمی جنگ / دفاع مقدس در پژوهشکده اسناد کتابخانه ملی ایران ایراد شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ محضر یکایک دوستان حاضر سلام عرض می‌کنم. موضوع این جلسه واکاوی روش به‌کار گرفته‌شده در تدوین و نگارش کتاب **عملیات فریب**^۲ (روایت شهید اسدالله قاضی از عملیات والفجر ۸ و چند روایت دیگر)، فراهم‌آورده‌ی آقای مرتضی قاضی است. آقای مرتضی قاضی از جمله‌ی کسانی است که در کار مصاحبه و تدوین فراورده‌های روایی جنگ / دفاع مقدس دستی توانا دارند و به ملاحظات که گفته خواهد شد، شیوه‌ای که ایشان در تدوین و نگارش این کتاب به کار برده‌اند، شایسته‌ی توجه است. کتاب **عملیات فریب** محتوی دفترچه‌ی خاطرات شهید اسدالله قاضی، برادر آقای مرتضی قاضی است، مع‌الوصف مدوّن اثر علاوه بر ارائه و انضمام تصویر این دست‌نوشته، به‌منظور بازیابی رویداد و مندرجات دفترچه، با شماری از هم‌زمان شهید و شاهدان واقعه گفت‌وگو کرده‌اند و اظهارات آنان را در این کتاب گنجانده‌اند و به این ترتیب تا آنجا که مقدور ایشان بوده است گوشه‌ها و زوایای نادیده و ناگفته‌ی ماجرا را گویا و آشکار کرده‌اند. موضوع این جلسه ناظر بر چند و چون انجام عملیات والفجر ۸ نیست، بحث مدّ نظر اختصاراً معطوف اهمیت تاریخی فرهنگی یادداشت‌ها و خاطرات مکتوب بازمانده از دوران جنگ / دفاع مقدس و شیوه‌ای است که آقای مرتضی قاضی در بازیابی این رویداد و تدوین متن به کار بسته‌اند. از آنجا که به‌زعم من خاطرات مکتوب / خاطره‌نگاشته‌ها، توسعاً از زمره‌ی اسناد و منابع تاریخی فرهنگی محسوب می‌شوند لازم است اشاره‌وار به موضوع سندشناسی در مطالعات تاریخی بپردازم؛ آن‌گاه مراد و مقصودم را از وضع اصطلاح «اسناد خانگی جنگ / دفاع مقدس» بازگو خواهیم کرد.

مرحوم دکتر جهانگیر قائم‌مقامی در کتاب ارزشمند خود، **مقدمه‌ی بر شناخت اسناد تاریخی**^۳، با عنایت به روش تاریخ‌شناسی علمی / کلاسیک مبتنی بر اسناد تاریخی، که در ایران با پیشگامی مرحوم عباس اقبال آشتیانی و رشید یاسمی و اقران ایشان رواج یافت، اسناد تاریخی را به پنج نوع اصلی تقسیم‌بندی کرده است: ۱/ منابع ذهنی و نقلی - نظیر مسموعات و مشاهده‌نوشته‌ها و خاطرات، که به نظر مؤلف سندیت و اصالت و دلالت تاریخی آنها علی‌الاصول محرز نیست و از این‌رو، باید صحت مدعا و مندرجات آنها نقد و بررسی شود. این، سخن دقیق و درستی است و البته اکثر سندپژوهان به آن توجه و بر آن تأکید کرده‌اند، از جمله مرحوم دکتر زرین‌کوب در مقدمه‌ی کتاب **تاریخ ایران بعد از اسلام**^۴ - مقدمه‌ای که از حیث محتوا و موضوع به‌مثابه رساله‌ای مستقل در تاریخ‌شناسی اهمیت وافر دارد - توجه به این مهم را یادآور شده‌اند. ۲/ منابع کتبی، مشتمل بر کتاب‌های تاریخی، نوشته‌های جغرافیایان، مونیوگرافی‌ها، متون ادبی و نشریات، ۳/ منابع تصویری و ترسیمی، نظیر عکس‌ها و نقشه‌ها و گراورها و امثال آنها، ۴/ منابع باستان‌شناختی، اشیا و آثار

باستانی، که به نظر مرحوم قائم مقامی، تفسیر و استنباط اطلاعات از آنها مبتنی بر حدس و گمان است، ۱۵/ مدارک آرشیوی، که حاصل عملیات روزانه‌ی دیوانی/ اداری هستند و به نظر مؤلف اثر، عنوان اسناد تاریخی به این نوع از منابع اطلاق می‌شود، از قبیل فرمان‌ها، احکام، مکاتبات و معاهدات، اسناد مالی - قضایی - حقوقی - سیاسی و جز آنها. به نظر اهل اصطلاح این اسناد علی‌الاختصار بر سه قسم تقسیم می‌شوند: سلطانیات، دیوانیات، اخوانیات.

کتاب مرحوم قائم مقامی به‌رغم ارزش و اعتبار منحصر به فردی که دارد، به دو سبب برای تکاپوهای تاریخی و سندشناسی در زمانه‌ی حاضر به‌تنهایی کارا و کافی نیست. این دو سبب را پیشتر در کتابچه‌ی اثر نشان^۵ بازگفته‌ام و در اینجا اجمالاً به آن اشاره می‌کنم: ۱/ پیدایی انواع متنوع پدیده‌ها یا آثاری که به‌مثابه اسناد و مدارک، حامل دلالت‌های تاریخ‌شناختی‌اند. این انواع نوپدید که حاصل فناوری‌های جدید هستند، موجب تحول، بلکه انقلاب بی‌سابقه‌ای در مطالعات تاریخی و دانش‌شناسی و اطلاعات و ارتباطات شده‌اند، ۲/ تحول در معنا و مفهوم تاریخ و مطالعات تاریخی در قرن اخیر.

همان‌گونه که می‌دانید خود جریان‌های تاریخ‌شناسی و نوع تلقی از مفهوم تاریخ، بالذاته یک موضوع تاریخی به‌شمار می‌آید. از این دید ما با سه دوره‌ی کلی تاریخ‌فهمی و خوانش تاریخی مواجه هستیم: تاریخی سنتی، تاریخ مدرن/ علمی، و تاریخ پسامدرن با تأکید بر مطالعات فرهنگی، زبان و تفسیر متن. تاریخ در دوره‌ی نخست عمدتاً بر نهاد قدرت و الوهیت و حاکمیت تأکید و تمرکز دارد و ردّ و نشانی از آحاد جامعه، خاصه طبقات فرودست در آن مشاهده نمی‌شود. در نتیجه، عمده موضوعات در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری نیز حول اراده و خواست بالادستان شکل می‌گیرد و زبان متن تاریخ با گزاره‌های ادبی، استعاری، اسطوره‌ای، متافیزیکی آمیخته و سرشته است.

مدعای تاریخ‌نگاری علمی مدرن، که در ایران با تأسیس دانشگاه و نظام آموزش عالی شناخته شد و گسترش یافت، رسیدن به عینیت چگونگی و چرایی رخدادها به اتکای اسناد و پژوهش‌های تاریخی است. در این تاریخ‌نگاری، رخدادهایی که معطوف به نظامات قدرت و سیاست‌اند، نقش اساسی‌تری دارند. آشتی تاریخ با طبقات و لایه‌های جامعه با پیدایی تاریخ اجتماعی و مکتب آنال به وجود و ظهور رسید و حاصل این روند و روال تحت تأثیر مطالعات اجتماعی و مردم‌شناسی سرانجام از تاریخ شفاهی سر برآورد. این تغییر وضعیت که مشخصاً حاصل تحولات فرهنگی و نگاه تازه به تاریخ از موضع و منظر فرهنگ بود، اهمیت و ضرورت توجه به ذهنیت و زبان مردم و حافظه و خاطره‌ی اقوام و ملت‌ها در بررسی رویدادها را آشکار کرد و به‌تدریج به رویکردهای فرهنگی در نگاه به تاریخ، جان و جهت داد. از جمله شاخص‌ترین رویکردهای فرهنگی، تاریخ فرهنگی است که خود آن حاصل توجه به مطالعات زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و در ضمن بحث‌هایی درحوزه‌ی تشکیک به شناخت عینیت رویدادهاست، آنچنان که واقعیت، امری برساخته و گفتمانی تلقی می‌شود. این تشکیک با مباحث کسانی همچون فوکو بدانجا رسید که گفته شد نه تنها واقعیت

واقعۀ، بلکه مورخ هم در بستر گفتمان به ظهور می‌رسد و نتیجتاً تاریخ و مورخ هر دو امری گفتمانی و برساخته‌اند.

مقصود من از این مرور شتابزده درخصوص فهم و تلقی تاریخ این است که آنچه مبانی تاریخ‌اندیشی و تاریخ‌نگاری سنتی و مدرن را به چالش کشید و متحول کرد، پیدایی این پرسش و اهمیت پاسخ‌دادن به آن بود که مردم/ توده‌ها و طبقات جامعه در برابر وقایع و رویدادها چگونه عمل می‌کنند، چگونه می‌اندیشند و اندیشه و عمل و احساسات خود را چگونه در باورها، رفتارها و مصنوعات، به‌ویژه زبان و روایت خود منعکس و اظهار می‌کنند. رواج و رونق تدریجی این نگرش بود که تاریخ را به‌عنوان یک جریان مردم‌نهاد و مردمی، با فرهنگ و انسان‌شناسی پیوند داد و مردم را به‌سان سازندگان متن تاریخ معرفی کرد و برکشید و موجب شد آحاد جامعه، (حتی مطرودان و دیده‌نشدگان) از گم‌بودگی و مهجوریت دوران سنتی و مدرن بیرون آیند و پا به عرصه‌ی تاریخ و تاریخ‌سازی بگذارند، حال آن‌که در تاریخ بالادستان محلّ اعتنا نبودند و از آنان با عنوان «خامل ذکر»؟ و به تعبیر من «گم‌یادها» نام برده می‌شد.

به عرض رسید که در یک تقسیم‌بندی کلان مجموعه‌ی اسناد تاریخی از نظر سندپژوهان بر سه گونه‌ی سلطانیات، دیوانیات و اخوانیات از یکدیگر تفکیک می‌پذیرند. از سلطانیات و دیوانیات که درگذریم، اخوانیات، چنانکه از معنای واژگانی آن مستفاد می‌شود، به مراسلات و مکتوبات غیراداری و غیررسمی تعلق دارد، مع‌الوصف آنجا که از اخوانیات بحث می‌شود، نظر به نامه‌ها و نوشته‌های بر جای مانده از خواص و خاندان‌های مربوط به طبقات بالای جامعه و بهره‌مندان از موقعیت‌های برتر و صاحبان مال و جاه است. حال آنکه فرق فارق است میان اسناد خاندانی/ اخوانیات (که شمار این‌گونه اسناد و کتاب‌های فراهم‌آمده از این دست کم نیست)، با مکاتبه‌ها و مکتوبات و واگویه‌نوشته‌های مردمی، لایه‌ها و توده‌های پایین جامعه و بی‌نام و نشان‌ها، که می‌توان از مجموع متنوع این نوع از «مستندات مکتوب/ مخطوط»، به «اسناد خانگی/ مردمی» تعبیر کرد.

بر مبنای این موضع و منظر، اسناد خانگی و مخطوطات اهل جبهه و جنگ، بایسته‌ی شناسایی و شایسته‌ی بررسی‌اند. مجموعه‌ی آنچه ذیل این عنوان جای می‌گیرند، بسیار متنوع و متعددند؛ از جمله نامه‌ها، دفاتر یادگارنوشته (مشمول بر جنگ‌واره‌هایی از جمله‌های کوتاه هم‌زمان و هم‌سنگران و هم‌سفران، شعرها، منتخب آیات و احادیث و کلمات قصار، نکته‌نوشته‌های اخلاقی و حکمی، خاطره و یادبودنوشته‌های کوتاه و ...)، تصویرنوشته‌ها بر ذیل یا ظُهر عکس‌های یادبودی و یادگاری، کارت‌پستال‌نوشته (حاشیه‌نویسی‌ها بر تصویر امام (ره) و دیگر شخصیت‌های انقلاب و انقلابی و عمدتاً شهید)، حاشیه‌نگاری/ آغازه‌نویسی و اهداییه‌نویسی بر کتاب‌های درسی و غیردرسی، وصیت‌نامه‌ها/ شهادت‌نامه‌ها، خون‌نامه‌ها/ میثاق‌نامه‌ها، وداعیه‌ها و ... از این میان علی‌الاطلاق، نامه‌ها، یادداشت‌ها/ یادنوشت‌های روزانه، خاطره‌نوشته‌ها (دفترچه‌های خاطرات)، وصیت‌نامه‌ها، از حیث فراوانی و تنوع بیشتر شناخته‌شده و در معرض دید قرار

گرفته‌اند.^۷ این نوع مکتوبات جدای از مخطوطات و مکتوبات واحدهای فرهنگی تبلیغاتی، مثل تابلونوشته‌ها و پلاکاردها، حسب هم و اراده‌ی شخصی به قلم آمده‌اند.

اسناد خانگی و مخطوطات اهل جبهه و جنگ از حیث موضوع و محتوا، قالب، سبک و سیاق نگارش و داده‌های اطلاعاتی متنوع و حائز اهمیت بسیاریند، حتی تأمل در نوع خط و آرایش آنها حاوی نکته‌های درخور توجه است. سبب وضع نام اسناد خانگی یا مردمی یا مردمانه‌ی جنگ/ دفاع مقدس بر این مستندات مکتوب مخطوط آن است که غالباً این‌گونه نوشته‌ها (و بسیاری دیگر از آثار یادبودی و به یادگارمانده از رزمندگان و جبهه‌رفتگان) در خانه‌ها یافت می‌شوند و آنچه از این زمره به مجموعه‌های اسنادی جنگ، به معاونت پژوهش و اسناد فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران سپرده و در آنجا نگهداری می‌شوند، در واقع متعلق به خانه‌ها و خانواده‌های جنگ و جبهه بوده است. پیگیری‌های مستمر و گاه به گاه مسئولان نهادهای ذی‌ربط و توجه آنان به اهمیت اسناد فرهنگی جنگ و جمع‌آوری این آثار، گرچه ناتمام و ناکافی، شایسته‌ی ذکر است.^۸

محض اطلاع و یادآوری باید عرض کنم شمار قابل‌توجهی از جبهه‌رفتگان، علی‌الخصوص بسیجی‌ها مجموعه‌ای از وسایل و ملزومات شخصی به همراه خود داشتند که نزد آنان و خانواده‌های رزمندگان شهید به یادگاری و یادشان تبدیل شده‌اند و از این‌رو حامل معنا هستند که فراوان‌ترین آنها عبارتند از: جانماز و مُهر کوچک، شیشه‌ی عطر، تسبیح و انگشتری، مفاتیح الجنان یا منتخب ادعیه، قرآن کوچک جیبی و بعضاً دوربین کوچک عکاسی و ضبط صوت - که غالباً برای شنیدن نوحه و ضبط صدا و سخن هم‌زمان در سفر و حضر از آن استفاده می‌شد. به مرور سالها، نهادهای پشتیبان و تبلیغاتی جنگ چیزهایی بر این آورده‌ها و داشته‌های شخصی افزودند که فراگیرترین آنها پیشانی‌بندها (با نوشته‌های متنوع و در رنگ‌های متفاوت) و پلاک‌های جنگی بود و تصاویر قابل نصب بر جیب پیراهن، مدالیوم‌ها، تعویذهای یک برگی و دفترچه‌های ثبت و نگارش خاطرات که به‌طور گسترده میان رزمندگان توزیع می‌شد.

بر این آورده‌ها و گرفته‌ها باید اضافه کرد آنچه به‌تدریج نزد عده‌ای از رزمندگان جالب توجه می‌آمد و به‌عنوان یادگاری و ارمغان گاهی از منطقه، به شهر و خانه‌ی خویش می‌آوردند که بیشتر از همه باقی‌مانده‌ی جنگ‌افزارها و مهمات مصرف‌شده‌ی خودی و دشمن مدنظر بود، نظیر چتر منور، پوکه‌های فشنگ و مرمی آنها در اندازه‌ها و کالیبرهای متنوع، ترکش خمپاره و توپ، پردی انتهایی خمپاره‌های شلیک‌شده و حتی مین‌های خنثی‌شده و امثال آن که تنوع و مقدار آنها، حسب علاقه و سلیقه و طول مدت حضور در جبهه متفاوت است. بعضاً با استفاده از همین مواد و مصالح، کاردستی‌های جالب توجهی توسط رزمندگان خوش‌ذوق ساخته و پرداخته می‌شد.^۹ جای نگهداری این یادگاری‌ها و یادشان‌ها/ اشیا و ملزومات در زمان جنگ و در مناطق عملیاتی، اغلب در ساک همراه رزمنده و بعضاً درون جعبه‌ها و صندوق‌های خالی مهمات بود که به تعبیر عده‌ای از آنان (به نقل از کتاب **فرهنگ جبهه**)، عشقستان خوانده می‌شد.

مجموعه‌ی این بُرده‌ها به مناطق جنگی و گرفته‌ها و آورده‌ها، مشتمل بر اشیا، تصاویر، صداها، ضبط‌شده، نوشته‌ها، تدریجاً به عقبه، یعنی به خانه‌ها بازگردانده و نگهداری می‌شدند و بخشی از آنها هم در توالی سال‌ها و رویدادهای پس از جنگ پراکنده و نابود گشته‌اند. دم‌دست‌ترین و فراگیرترین این آورده‌ها، عکس‌های یادبودی در مناطق جنگی و جبهه است که در آلبوم جای داده می‌شد و اهل جبهه در جمع‌ها و جلسه‌های خودی و خانگی با تورق و تماشای آنها، خاطرات گذشته، رویدادها و یاد هم‌زمان شهید خود را تداعی و احیا می‌کردند و می‌کنند. تا پیش از اجرای طرح یکسان‌سازی (و بهترست گفته شود بی‌معناسازی!) مزار شهدا، نمونه‌هایی از این آثار علاوه بر افزوده‌ی خانواده‌ها (همچون آینه و شمعدان کوچک، گل و گلدان و تور و تصویر شهید و ...) در جعبه آینه‌ها یا ویتترین مزار شهدا به دیده می‌آمد.^۸ به نظر می‌رسد بتوان گردآوران و علاقه‌مندان این آثار و اشیا و اسناد را، که توجه و تعلق خاطر به حفظ و حتی افزایش اثرنشان‌های جنگ داشته و دارند، همچون گردآوران اشیا، عتیقه، تمبر و سکه و دست‌خط و امثال آن، مجموعه‌داران یا کلکسیونرهای جنگ/دفاع مقدس نام نهاد.^{۱۰}

گفته شد بخش معتناهایی از مخطوطات و مکتوبات اهل جبهه به نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها و یادنوشت‌ها و خاطرات اختصاص دارد. به‌رغم تعداد پُرشمار نامه‌ها و رواج نامه‌نویسی در ایام جنگ هنوز اهمیتی در جهت گردآوری و تحقیق در محتوا و قالب آنها صورت نگرفته است. در بادی امر در یک نگاه گونه‌شناسانه و بسیار کلی، نامه‌های غیررسمی رد و بدل‌شده‌ی دوران جنگ و جبهه، عجلتاً بر چند دسته تقسیم می‌شوند؛ نامه‌های مردم (خصوصاً دانش‌آموزان، که در سال‌های جنگ بسیار نوشته و به جبهه فرستاده می‌شد)، بدون داشتن مخاطب و گیرنده‌ی مشخص و پاسخ‌رزمندگان به آنها (گرچه تعداد کمی از نامه‌های ارسالی، پاسخ داده می‌شد)؛ نامه‌های رزمندگان به اعضای خانواده‌ی خود (پدر، مادر، همسر، برادران و خواهران و خویشاوندان) و دوستان هم‌محل و هم‌رزم و هم‌درس و بالعکس؛ نامه‌های اسیران ایرانی در عراق به خانواده‌های خود در ایران و بالعکس. نامه‌های رزمندگان و خانواده‌های آنها به شخصیت‌ها، به‌ویژه رهبر انقلاب امام خمینی (ره). آنچه در این نامه‌ها حائز اهمیت و توجه است، صرف‌نظر از متن و سبک نگارش؛ محتوا و موضوعات، قالب، نحوه‌ی نگارش و آرایش نامه‌هاست.^{۱۱}

از شمار چندمیلیونی نامه‌ها که درگذریم پرشمارترین و پرآوازه‌ترین گونه‌ی مکتوبات اهل جنگ، وصیت‌نامه است که تا به حال کتاب‌های متعددی در این خصوص چاپ و منتشر شده و یکی از گسترده‌ترین طرح‌های در دست اجرای بنیاد شهید، شناسایی، تدوین و نشر وصیت‌نامه‌ها به مقیاس سراسر کشور است.^{۱۲} بخش کمتر شناخته‌شده‌ای از اسناد خانگی جنگ/دفاع مقدس به دفترچه‌های محاسبه‌ی نفس، میثاق‌نامه‌ها و شهادت‌نامه‌ها تعلق دارد. این میثاق‌نامه‌ها یا پیمان‌نامه‌ها نوعی عهد و میثاق بود که جمعی از رزمندگان قبل از عملیات می‌نوشتند و متن آنها داعی و گواه بود بر پایداری و پایداری آنان در عملیات تا رسیدن به شهادت و شفاعت‌خواهی آنان از یکدیگر. از آنجا که این نوع میثاقیه‌ها یا اخوت‌نامه‌های شهادت گاه به خون سرانگشت

هم‌عهدان امضا می‌شد، آنها را «خون‌نامه» هم نامیده‌اند. گزارش شده است در مواردی این میثاق‌نامه‌ها را لای کفن شهیدان شاخص یا بازماندگان آنها به خاک سپرده‌اند.^{۱۳}

از دیگر انواع مستندات مکتوب/ اسناد خانگی اهل جنگ و جبهه یادداشت‌های روزانه و خاطره‌نوشته‌ها/ خاطرات مکتوب است. یادداشت/ یادداشت‌های روزانه، خصوصاً خاطرات از زمره‌ی پرشمارترین و ظاهراً شناخته‌شده‌ترین نوع از گونه‌های مستندات مکتوب محسوب می‌شوند که راجع به جنبه‌های متعدد آنها بیش و کم مطالعاتی انجام گرفته است و پرداختن به این موضوع اکنون ضرورت ندارد.^{۱۴} آنچه گفتنی است این که، در زمان واقعه، نوشتن از جنگ و جبهه، آن‌چنان که همه یا اکثر رزمندگان را به نوشتن مشاهدات و تأملاتشان ترغیب کند شایع نبود. در عین حال شمار آنان که به هر دلیل در آن واقعه، در جبهه‌ها و شهرها، دست به قلم شدند و نوشتند، قابل ملاحظه است. همین کم‌انگیزی در نوشتن و به کتابت سپردن (که یکی از علل آن غلبه‌ی فرهنگ شفاهی و نقلی است) و احساس ضرورت ثبت وقایع از سوی نهادهای مسئول موجب شد که روایت‌گری (به معنی ثبت و ضبط رویدادها و کم و کیف عملیات‌ها از نظر فرماندهان در ابعاد نظامی عملیاتی)، و گردآوری خاطرات رزمندگان - که عمدتاً معطوف حال و هوای جنگ و جبهه و عوالم فردی و معنوی آنان بود - مدنظر نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد.

به این منظور، شناسایی و ضبط و ثبت خاطرات رزمندگان به همت «تبلیغات جبهه و جنگ» «واحد انتشارات تبلیغات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و هماهنگی با قرارگاه کربلا (اهواز)، نجف (باجران/ کرمانشاه)، حمزه (شمال غرب/ کردستان) در سال ۶۲-۶۳ با چاپ و انتشار «دفترچه خاطرات»، عملیاتی شد.^{۱۵} مقصود اولیه از چاپ این دفترچه‌ی جیبی تشویق رزمندگان به نوشتن خاطراتشان از جبهه و جنگ، و مقصود دیگر فراهم‌سازی آرشیو خاطرات رزمندگان براساس عملیات‌ها در مناطق جنگی و جبهه‌ها بود. شایان توجه است که تبلیغات جبهه و جنگ حوالی سال ۶۶-۶۷ دفترچه خاطرات دیگری به قطع وزیری «مخصوص خانواده‌های محترم رزمندگان اسلام، اسراء، مفقودین، شهدا و ...» چاپ و منتشر کرد که نتیجه‌ی قابل ملاحظه یا آشکاری از انتشار آن عاید نشد. عدم بازگشت نسخه‌ی پرشده این دفترچه‌ها از سوی رزمندگان سبب شد تبلیغات جبهه و جنگ برای رسیدن به مقصود خود به مصاحبه‌ی حضوری با رزمندگان اقدام کند که ماجر و ماحصل این اقدام و عاقبت آن حکایتی مطول دارد.

بایسته است یادآور شوم تقریباً از اوان وقوع جنگ، حتی قبل از آن - در جریان حوادث رخ داده در کردستان، و قبل از چاپ و توزیع گسترده‌ی دفترچه خاطرات، و بعد از آن - از اهل جنگ و جهاد بودند کسانی که خاطرات و مشاهدات خود را در دفترچه یا دفترهای شخصی یا سررسید/ تقویم‌های سالانه می‌نوشتند و نزد خود نگاه می‌داشتند. تعدادی از کتاب‌های چاپ‌شده جنگ و جبهه در سنوات گذشته از جمله حرمان‌هور/ شهید احمد رضا احدی، هزار روز سبز/ شهید محمدحسین حسینی، آخرین ستاره/ شهید حسین کهتری، بلورچی/ شهید علی بلورچی، تک آخر (منتخب یادداشت‌های روزانه) شهید صالحی -

قائم مقام فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، و نمونه‌ای نادر و جالب از این نوع، **نوشتم تا بماند**/ مرحوم آیت‌الله جمی، امام جمعه شهر آبادان، در همین دفترها به قلم آمده و بعدها در هیأت کتاب تدوین و منتشر شده‌اند.

خاطره‌انگیز بودن یا یاد نشان شدن دفترچه خاطرات تبلیغات جنگ و جبهه سپاه، نزد اهل جبهه و خانواده‌های شهدا قابل اعتناست. نتیجه‌ی یاد نشان شدگی این دفترها، بقای آنها نزد رزمندگان و خانواده‌ی بازماندگان/ شهدا (و پراکندگی و ناشناخته ماندن متن و محتوای آنها) در خانه‌هاست. طرح روی جلد و سایر مشخصات ظاهری این دفترها از نگر نشانه‌شناختی حامل عناصر معنایی و قابل توجه و توضیح است.^{۱۶}

کتاب **عملیات فریب**، نمونه‌ای دیگر از همین گونه آثار است که بر مبنای دفترچه‌ی خاطرات شهید اسدالله قاضی فراهم آمده و منتشر شده است. متن و محتوای این دفترچه شرح خاطرات راوی/ نویسنده‌ی آن از عملیات همزمان و ایزایی والفجر ۸ در جزیره‌ی ام‌الرصاص، ام‌البابی و بوارین است. آقای مرتضی قاضی، برادر شهید اسدالله قاضی در این کتاب با ردیابی از نام هم‌زمان برادرش در این دفترچه و مصاحبه با تعدادی از آنان کوشیده است متن این دست‌خط و حوادث مندرج در آن را بازآفرینی، بازخوانی، بازآفرینی و در حد امکان کامل کند. لهذا می‌توان گفت این کتاب ضمن انتقال و آشکارسازی رویداد، طرز و تراز از یک شیوه و نمونه‌ای از احیا و بازتولید/ تدوین و نگارش یک دفترچه‌ی خاطرات، به مثابه گونه‌ای از مستندات مکتوب و اسناد خانگی جنگ/ دفاع مقدس را به مخاطب نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد در یک تقسیم‌بندی کلان و بسیار کلی، دو روش در بازتولید متن و مستندات مکتوب بازمانده و به دست آمده جنگ/ دفاع مقدس از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک باشد:

اول، بازآفرینی خلاقانه‌ی زبان و شکل و ریختار متن، که بخش عمده‌ای از خاطره‌نویسی‌های مبتنی بر خاطره‌گیری‌های شفاهی در این صورت و سامان فراهم آمده و می‌آید و عرضه شده و می‌شود. در این شیوه، متن از حیث نوع روایت، ساخت و سازه‌ی ادبی پیدا می‌کند و حتی اثر فراوری شده به داستان/ داستان‌واره نزدیک می‌شود. این شیوه و شگرد دارای متفرعات متعددی است که شناخت آن به تحقیقی مستقل نیازمند است.

دوم، بازآفرینی و بازشناسی متن براساس نسخه‌ی اصل و مرجع و سپس تدوین و تألیف و تصحیح اثر مبتنی بر حفظ اصالت اسنادی و اسنادی روایت راوی یا مرجع روایت. در مقام عمل این روش به دو شیوه اجرا و انجام می‌شود: اول، اعمال شیوه‌ی سنتی علمی در تصحیح و تنقیح متن، یعنی حفظ اصالت دست‌خط یا نسخه‌ی اصل و گویاسازی آن در محدوده‌ی خود اثر. این طریق (گذشته از زیرگونه‌های متنوعی که دارد) چنانکه مشهور است با اهتمام مرحوم علامه قزوینی در ایران شناخته شد و در احیای نسخ خطی به کار آمد و قریب به یک قرن از قدمت کاربرد آن در ایران می‌گذرد. از این شیوه تقریباً در تدوین کتاب **حرمان هور** و مشخصاً **نامه‌های فهیمه** و در حد امکان بازآفرینی یک واقعه بهره گرفته شده است. البته همین جا باید تصریح

کرد که درخصوص مخطوطات جنگ/ دفاع مقدس ما با تعدد نسخه و دست‌خط از یک متن مواجه نیستیم، بلکه احراز اصالت متن در نسبت با نویسنده و حفظ امانت‌دارانه‌ی تمامیت آن در نقل و تدوین منظور و مسئله‌ی اصلی است و سپس گویاسازی مبهمات دست‌نویشت و اثر در حاشیه‌ها، پانویشت‌ها و ضمایم.

شیوه‌ی دوم، گویاسازی و شرح مندرجات متن و مدعای صاحب اثر و بازشناسی موضوع و رویداد، فراتر از آنچه در نسخه‌ی مخطوط (دفترچه‌ی خاطرات) آمده است، به کمک پیداکردن دیگر شاهدان و نقش‌آفرینان واقعه و پرس‌وجو و مصاحبه با آنان و نظر کردن به موضوع از زاویه‌ی موضع و منظر آنها. در این صورت الحاق تعدد روایت‌ها حول رویداد و هسته‌ی اصلی اثر، یعنی متن و دست‌خط راوی/ مرجع روایت، موجب بازشناسی کامل ماجرا و حتی اصلاح خبط و خطای ناخواست در اصل مدعای نوشته و رفع ابهام و نارسایی‌ها می‌شود و به این ترتیب روایتی بالنسبه کامل‌تر/ جامع‌تر از واقعه به دست و دید می‌رسد.

نکته‌ی حائز توجه در روش‌های پیشگفته معطوف این معناست که در بازیابی و نشر مخطوطات باید به شناخت و حفظ ساخت زبان و شاکله‌ی متن و آنگاه گویاسازی مدعا و مندرجات آن پرداخت. به نظر می‌رسد کتاب *عملیات فریب* ضمن بهره‌مندی از زبان روایی/ نقلی و شبه‌داستانی بر همین سبک و سیاق تدوین و کتابت شده باشد. در این روش هسته‌ی اصل متن، نسخه‌ی مخطوط خاطره و یادداشت است و ضمایم و حواشی به آن ارجاع و پیوست می‌یابد. این شیوه‌ای است که تقریباً نحوه‌ی تدوین و نگارش کتاب *دسته یک و بمو*^{۱۷} را به خاطر متبادر می‌کند.

پیش از این، در گفت‌وگوی اختصاصی و رویاروی با آقای مرتضی قاضی، از منظر نقد و بررسی، موارد و مسائل بایسته‌ی توجه و اصلاح و تکمیل درباره‌ی این کتاب را به تفصیل توضیح داده‌ام و در این مجال ضرورتی به تکرار و بازگفت آنها نیست، مع هذا در این خصوص با طرح چند نکته سخن خود را به پایان می‌برم:

- در صفحه‌ی ۹۸ دفترچه‌ی خاطرات شهید اسدالله قاضی (مندرج در صفحه‌ی ۳ کتاب) نام چهل نفر از همراهان و هم‌زمان راوی قید شده است که از این تعداد فقط دوازده نفر محل رجوع و پرسش حضوری یا تلفنی قرار گرفته‌اند و روایت آنان به تصویر اصل دفترچه منضم شده است. آقای مرتضی قاضی در مقدمه‌ی جامعی که بر این کتاب بایست می‌نوشته‌اند - و نوشته‌اند و فقط به اشاره‌ای گذرا بسنده کرده‌اند - توضیح نداده‌اند که چرا از این تعداد فقط با این دوازده نفر گفت‌وگو کرده‌اند. البته طرح این اشکال به آن معنا نیست که اگر تمام آن چهل نفر، به فرض امکان، روایت خود را از رویداد بیان می‌کردند، روایت آنان بازنمود و شرح تام و تمام واقعه تلقی می‌شد. چون در آن صورت نیز هر راوی، همچنان رویداد را در محدوده‌ی منظر و ذهن و زبان خود شرح می‌کرد. در عین حال با جمع همه‌ی روایت‌ها از رخداد است که می‌توان به بازشناسی و بازسازی واقعه دست یافت؛ البته تقریباً و حدوداً.

- محتوا و مضمون خاطرات شهید اسدالله قاضی، همانند غالب یادداشت‌ها و خاطرات باورمندان بسیجی و هم‌عصر با زمان جنگ و جبهه، عمدتاً معطوف و متمرکز بر حال و هوای اعتقادی و معنوی و نظام ذهنی آنهاست و از بار عاطفی و احساسی سرشار است. از این‌رو، این‌گونه خاطرات وجوه آرمانی/ ارزشی کنشگران واقعه را بازتاب می‌دهند و به عبارت دیگر جنبه‌های انسان‌شناختی طبقه‌ای گسترده از اهالی جنگ و جبهه را بر ما آشکار می‌کنند. در این صورت وقوع انسان واقعه، و نه الزاماً عینیات بیرونی رخداد، جان‌مایه‌ی پیدا و پنهان این‌گونه روایت‌هاست. متقابلاً هر قدر که از «ایام واقعه» و دوره‌ی دفاع مقدس دور می‌شویم، جنبه‌های متعدد عینی، خاصه نظامی و سیاسی آن، آشکار می‌شود. این تفاوت و تباین را می‌توان در مقایسه و مقابله‌ی متن و مفاد دفترچه‌ی خاطرات شهید قاضی با روایت‌های هم‌زمان وی ملاحظه کرد. در واقع روایت‌های متأخر چنان‌اند که گویی جنگ و درشتی‌های آن را از نمایی عینی‌تر نمایان می‌کند.

- یکی از ویژگی‌های شایسته‌ی توجه در روش تدوین کتاب، علاوه بر هم‌نشین‌سازی متن دفترچه خاطرات با روایت‌های جانبی، استفاده از تصاویر است. گفتنی است تصویرها و عکس‌ها در کتاب‌های خاطرات و اساساً مستندات مکتوب، ارزش و اهمیت متن‌شناختی دارند و در واقع خواننده/ مطالعه می‌شوند.

- بخشی از روایت‌های جانبی در کتاب‌های خاطرات، نشان‌دادن خاستگاه خانوادگی و خصوصاً نقش مادران و همسران در هم‌نوایی و همراهی با اهل جبهه است، از این حیث کتاب عملیات فریب نمونه‌ای مثال‌زدنی از بردباری مادران جنگ و جبهه را به تصویر کشیده است.

- ترفندهای مدوّن و محقق اثر، آقای مرتضی قاضی برای یافتن دوازده نفر راوی و شگردهای وی برای برانگیختن آنان به منظور بیان خاطراتشان، شایان توجه و حاوی نکته‌های آموزشی برای خاطره‌جویان و خاطره‌نویسان است که در جای خود سزااست گفته و ثبت و آموزش داده شود.

- نثر روان و یکدست بازنوشته‌ی روایت‌ها در این کتاب و شیوه‌ی روایی آقای مرتضی قاضی، استفاده از شگردهای داستان‌گونه یا شبه‌داستانی، متن اثر را خواندنی و دلپسند کرده است، تا آنجا که می‌توان گفت عملیات فریب نمونه‌ای از مستندسازی روشمند و جذاب مستندات مکتوب و اسناد خانگی جنگ/ دفاع مقدس است که از بین خانواده و کُنج خانه‌ی یک طلبه‌ی شهید، امکان بازیابی و عرضه‌شدن به بیرونیان/ خوانندگان را یافته است. رواست گفته شود این کتاب ره‌آورد ارزشمندی برای اهل پژوهش در تاریخ فرهنگی جنگ/ دفاع مقدس محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

- ۱- راجع به اصطلاح اسناد خانگی جنگ/ دفاع مقدس و ملاحظات سندشناختی در حوزه‌ی تاریخ فرهنگی جنگ رک به:
- اثرنشان (درآمدی بر رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم سند و مطالعات اسنادی جنگ/ دفاع مقدس)، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳.

- «درآمدی بر مطالعه‌ی نشانه‌شناختی جنگ/ دفاع مقدس»، در نام‌آورد (دفتر دوم: بیست مقاله و یک گفتاورد درباره‌ی نشانه‌شناختی جنگ عراق و ایران)، تهران: سوره‌ی مهر، ۱۳۹۱.
- «اسناد جنگ را فراموش نکنید»، کتاب هفته، شماره‌ی ۲۲۸، ۱۸ اسفند ۱۳۸۳، صفحه ۱۲.
- «درآمدی بر شناخت مستندات مکتوب در ادبیات شهادت» (عنوان نهاده‌شده بر سخنرانی ایرادشده در کنگره‌ی ادبیات شهادت، ۱۳۸۲/۱۲/۱۱)، در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اولین کنگره‌ی فرهنگ و ادبیات شهادت، تهران: اداره‌ی کل امور فرهنگی و هنری بنیاد شهید و امور ایثارگران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- «تاریخ به روایت فرهنگ عامه و فرهنگ جبهه» (۱)، کتاب مقاومت (۲)، زمستان ۱۳۶۸،
- ۲- قاضی، مرتضی (۱۳۹۴). عملیات فریب؛ روایت شهید اسدالله قاضی از عملیات والفجر ۸ و چند روایت دیگر، تهران: روایت فتح.
- ۳- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۴- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۱۱۲-۱۱۶.
- ۵- اثرنشان (درآمدی بر رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم سند و مطالعات اسنادی جنگ/ دفاع مقدس)، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳.
- ۶- در چند جا از این تعبیر در تاریخ بیهقی، استفاده شده است از جمله در ماجرای دستگیری علی اریاق؛ ... «پیداست که از سعید صراف و مانند وی و چاک‌پیشگانِ خامل ذکر کم‌مایه چه آید!» (ص ۲۱۵، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی، مهدی سیدی، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۸).
- ۷- توسعاً می‌شود به این انواع، لباس‌نوشته‌ها/ ابزار و سلاح‌نوشته‌ها/ ماشین‌نوشته‌ها/ در و دیوار و سنگ‌نوشته‌ها/ پرچم‌نوشته‌های تابوت شهدا (خاصه شهدای تفحص‌یافته) و موارد دیگر را درافزود.
- ۸- رک به: اسناد افتخار (ویژه‌نامه مرکز اسناد و ایثارگران)، تابستان ۱۳۸۶.
- ۹- علاوه بر این آثار دست‌ساخت در زندانها و اردوگاه‌های نگه‌داری اسیران ایرانی و عراقی بسیار متنوع و متعدد است و مطالعه‌ی تطبیقی آنها، بدان حد که باقی‌مانده و امکان دسترسی به آنها فراهم باشد، در شناخت اندیشه و باور طرفین اهمیت بسیار دارد.
- ۱۰- رک به:
- راز جعبه آینه‌ها: جستاری پیرامون جعبه آینه‌های مزار شهدا، جواد مدرسی؛ تهیه‌شده در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵.
- ۱۱- رک به: نشریه راه، ویژه تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۵۹، آذرماه ۱۳۹۳، مصاحبه با حامی گت آقازاده، صفحه ۳۰ (از دکمه‌ی شهدا تا قاشق رزمنده‌ها) شاید بتوان مصاحبه‌شونده را بزرگ‌ترین کلکسیونر جنگ/ دفاع مقدس در ایران نامید.
- ۱۲- شمار قابل توجهی از کتاب‌های چاپ‌شده در حوزه‌ی ادبیات جنگ/ دفاع مقدس براساس تدوین نامه‌ها به وجود آمده‌اند از جمله:
- بابائیان‌پور، فهیمه (۱۳۷۹). نامه‌های فهیمه، به کوشش علیرضا کمری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- پرنده‌های کاغذی، به کوشش دفتر ادبیات و هنر مقاومت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- شیرازی، علی (۱۳۷۸). نامه‌های دلتنگی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ اول.
- قاصدکهای سوگوار، به کوشش دفتر ادبیات و هنر مقاومت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۶۹.

- نامه‌های اسارت: آزاده شهید محمود امجدیان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۳- وصیت‌نامه کامل شهید، استان کهگیلویه و بویراحمد، دفتر اول، تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، ۱۳۸۸.
- این مجموعه تا دفتر هفدهم روانه بازار شده است.
- ۱۴- رک به:
- سهم من از چشمان او، خاطرات حمید حسام، مصاحبه و تدوین و نگارش: مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۱، صفحات ۳۶۶ و ۴۰۶.
- حسام، حمید (۱۳۹۲). فقط غلام حسین باش، روایت جانباز حسین رفیعی، تهران: انتشارات صریح، صفحات ۱۵۴ و ۲۰۷.
- ۱۵- رک به:
- کمری، علیرضا (۱۳۹۰). یاد مانا (پنج مقاله درباره‌ی خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های جنگ و جبهه/ دفاع مقدس)، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.
- _____ «راز و رمز خاطرات جنگ؛ عرصه‌ی نوین خاطره‌نویسی»، در جنگ و خاطره (میزگرد بررسی ادبیات خاطره‌نویسی رزمندگان جنگ ایران و عراق و رزمندگان فرانسوی جنگ جهانی اول (۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۸۱ - تهران)، به اهتمام: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۱.
- _____ «نگاهی دیگر پیرامون خاطره، خاطره‌نگاری و تاریخ (شفاهی) جنگ/ دفاع مقدس»، سایت هفته‌نامه‌ی تاریخ شفاهی، شماره‌ی ۴۲، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
- ۱۶- «دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، اولین نهاد و مجموعه‌ای است که هوشمندانه و با انگیزه‌ی قوی اعتقادی و «خودجوشی‌های انقلابی، تقریباً همپای تحولات جنگ»، «با دغدغه‌ی ثبت و حفظ آثار و رخدادهای جنگ تحمیلی، به فراهم‌آوری اسناد و آثار جنگ/ دفاع مقدس و تاریخ‌نگاری این واقعه اهتمام کرد. از اواخر سال ۶۳ یا اوایل سال ۶۴ هم‌زمان با تشکیل «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ»، فعالیت «دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مستقل‌تر شد. در سال‌های اخیر، نام این مرکز به «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس» تغییر یافت. مرکز یادشده، که از خاتمه‌ی جنگ تاکنون همچنان به فعالیت‌های مستمر خود ادامه می‌دهد، به سبب چگونگی فراهم‌آوری اسناد، اطلاعات، منابع و مدارک؛ گردآوری و انباشت یافته‌ها و داشته‌های روایی شفاهی از فرماندهان جنگ (هم‌زمان و پس از انجام عملیات‌ها در مناطق جنگی)؛ و اقدام به تحقیقات/ تألیفات مرجع تاریخی نظامی سیاسی؛ کارویژه و جایگاه خاصی در حوزه‌ی تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری جنگ دارد. (اثرنشان، صص ۴۳-۴۴)
- ۱۷- از همین رو، مجید مرادی، که جانبازشیمیایی و از رزمندگان لشکر انصارالحسین هستند، خاطرات دوران جنگ و نقاوت و درمان خود را به‌طرزی بدیع در کسوت دفترچه‌ی خاطرات تبلیغات جبهه و جنگ سپاه پاسداران، با عنوان شب‌های ساسان؛ روایتی کوتاه از دردهای زیبا چاپ و منتشر کرده‌اند.
- مرادی، مجید (۱۳۹۱). شب‌های ساسان، روایتی کوتاه از دردهای زیبا، تهران: نشر برکت کوثر.
- ۱۸- رک به:
- دسته یک: بازروایی خاطرات شب عملیات، تحقیق و تدوین اصغر کاظمی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۱، چاپ شانزدهم.
- بمو: خاطرات شناسایی منطقه قصر شیرین و ذهاب، به روایت احمد استاد باقر و [دیگران]، تهیه و تدوین اصغر کاظمی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۹.